

نویسنده: داوید کورتین «David Korten».
منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2026-09-29».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»



مردی در حال عبور از کنار تابلویی است که تصویری از یک ربات انسان‌نما را در بخش هوش مصنوعی «نمایشگاه بین‌المللی زنجیره تأمین چین (CISCE)» در پکن نشان می‌دهد؛ ۲۶ ژوئن ۲۰۲۶). عکس از کوین فرایر / گتی ایمجز)

آیا تهدید هوش مصنوعی می‌تواند بشریت را به موقع بیدار کند؟

Can AI's Threat Awaken Humanity in Time?

ما اکنون بار دیگر با منطق یک پیمان خودکشی جهانی روبرو هستیم .
شاید همگان خطر را دریابند، اما هیچ‌یک از طرفین احساس نمی‌کند
که در کناره‌گیری از این رقابت آزاد است

*We are now faced once more with the logic of a global suicide pact.
Everyone may recognize the danger, yet no participant feels free to
withdraw from the competition.*

هوش مصنوعی، بشریت را با تناقضی با اهمیت تاریخی روبرو می‌کند. هوش مصنوعی که برای افزایش همکاری انسانی و یادگیری مشترک در خدمت به زندگی استفاده می‌شود، می‌تواند ابزاری قدرتمند برای ایجاد جهانی باشد که برای همه مفید باشد. اگر به عنوان سلاحی رقابتی در جهت دستیابی به سود، کنترل سیاسی و تسلط نظامی استفاده شود، تقریباً مطمئناً مسیر بشریت را به سوی انقراض خود تسریع خواهد کرد.

این تهدید واقعی و فوری است. با این حال، ممکن است بزرگترین منبع امید ما نیز باشد. هوش مصنوعی واضح‌تر از هر فناوری قبلی ما را با حقیقتی روبرو می‌کند که مدت‌هاست در برابر آن مقاومت کرده‌ایم: بشریت نمی‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از افراد، مشاغل و ملت‌های رقیب که بدون توجه به رفاه کل، به دنبال منافع جداگانه خود هستند، زنده بماند. هوش مصنوعی با غیرقابل انکار و بالقوه قریب الوقوع کردن پیامدهای مسیر فعلی ما، ممکن است قدرتمندترین انگیزه‌ای را که بشریت تاکنون تجربه کرده است، برای انجام تحول فرهنگی عمیقی که آینده مشترک ما اکنون به آن وابسته است، فراهم کند.

بحث عمومی معمولاً هوش مصنوعی را به عنوان یک هوش مستقل در نظر می‌گیرد که ممکن است روزی علیه خالقان انسانی خود عمل کند. این توجه ما را به سوال اشتباهی معطوف می‌کند. هوش مصنوعی هدف اخلاقی مستقلی ندارد. ابزاری ساخته دست بشر است که در خدمت اهداف کسانی است که آن را توسعه می‌دهند، مالک آن هستند و کنترل می‌کنند. سوال تعیین‌کننده این نیست که آیا هوش مصنوعی تصمیم به کنترل بشریت خواهد گرفت یا خیر. سوال این است که آیا بشریت می‌تواند تعهد خود به رقابت و سلطه را به اندازه کافی فراتر ببرد تا هوش مصنوعی - و خودش - را در خدمت زندگی اداره کند.

هوشی که برای آینده ما ضروری‌ترین است، نه در ماشین و نه در فرد منزوی، بلکه در روابطی قرار دارد که از طریق آنها تجربه را به اشتراک می‌گذاریم، درک را عمیق‌تر می‌کنیم و اقدام جمعی را در خدمت زندگی سازماندهی می‌کنیم.

در فرهنگ جهانی فعلی ما، هوش مصنوعی در درجه اول به عنوان ابزاری برای مزیت رقابتی توسعه می‌یابد. مشاغل از آن برای از بین بردن مشاغل، نظارت بر کارگران، دستکاری مصرف‌کنندگان، تصاحب خلاقیت انسانی، ضبط اطلاعات شخصی و دستیابی به تسلط بر بازار استفاده می‌کنند. بازیگران سیاسی از آن برای گسترش دروغ، ایجاد ترس و بی‌اعتبار کردن مخالفان استفاده می‌کنند. دولت‌ها از آن برای گسترش نظارت استفاده می‌کنند، در حالی که ارتش‌ها از آن برای شناسایی اهداف، هدایت سلاح‌ها و توسعه سیستم‌های کشتار خودمختار استفاده می‌کنند.

توجیه توسعه هوش مصنوعی در سریع‌ترین زمان ممکن، اساساً همیشه یکسان است: اگر ما این کار را نکنیم، رقبای ما این کار را خواهند کرد. مدیران شرکت‌ها ممکن است

تشخیص دهند که حذف میلیون‌ها شغل می‌تواند جامعه را ویران کند، اما از شکست در برابر کسب‌وکارهایی که سریع‌تر حرکت می‌کنند، بترسند. رهبران ملی ممکن است درک کنند که سلاح‌های خودمختار می‌توانند از کنترل انسان خارج شوند، اما از شکست در برابر کشورهای که ابتدا آنها را توسعه می‌دهند، بترسند. رهبران سیاسی ممکن است بدانند که فریب ایجاد شده توسط هوش مصنوعی، دموکراسی را نابود می‌کند، اما از شکست در برابر مخالفانی که از آن به طور تهاجمی‌تری استفاده می‌کنند، می‌ترسند.

این منطق یک پیمان خودکشی جهانی است. همه ممکن است خطر را تشخیص دهند، اما هیچ شرکت‌کننده‌ای احساس آزادی برای کنارگیری از رقابت نمی‌کند.

هوش مصنوعی سرعت، مقیاس و دامنه هر اقدام رقابتی را افزایش می‌دهد. می‌تواند میلیون‌ها ذهن را دستکاری کند، کل جمعیت را زیر نظر داشته باشد، تعداد زیادی از معیشت‌ها را از بین ببرد و تصمیمات نظامی را با سرعتی فراتر از درک انسان اتخاذ کند. می‌تواند قدرت بی‌سابقه‌ای را در دستان شرکت‌ها و دولت‌هایی که بزرگترین سیستم‌های داده و تأسیسات محاسباتی را کنترل می‌کنند، متمرکز کند. در همین حال، این تأسیسات مقادیر فزاینده‌ای از برق، آب، زمین و مواد معدنی کمیاب را مصرف می‌کنند و بار بیشتری را بر زمین زنده که تمام حیات به آن وابسته است، تحمیل می‌کنند.

این خطرات ذاتی هوش مصنوعی نیستند. اینها پیامدهای تمدنی هستند که پیشرفت را به عنوان افزایش مصرف تعریف می‌کند، پول را بالاترین ارزش بشریت می‌داند، به دنبال ثروت خصوصی نامحدود است و روابط را حول سلطه و رقابت سازماندهی می‌کند. هوش مصنوعی این آسیب‌ها را ایجاد نمی‌کند. بلکه آنها را تشدید می‌کند.

ما فوراً به قوانینی نیاز داریم که خطرناک‌ترین کاربردهای هوش مصنوعی، از جمله سلاح‌های خودمختار، نظارت گسترده، جعل هویت سیاسی، سرقت آثار فکری و استفاده‌های بی‌ملاحظه از انرژی و آب را ممنوع کند. ما به شفافیت، پاسخگویی دموکراتیک، حمایت از کارگران و سازندگان و مسئولیت قانونی روشن در قبال آسیب‌ها نیاز داریم. چنین اقداماتی برای کند کردن روند آسیب و دادن فرصت به بشریت برای انتخاب آینده‌ای متفاوت ضروری است.

با این حال، آنها کافی نخواهند بود. هیچ سیستم نظارتی نمی‌تواند هوش مصنوعی را ایمن کند، مادامی که مشاغل و ملت‌ها درگیر مبارزه برای تسلط باشند. قوانین به طور مداوم توسط کسانی که می‌ترسند رعایت آنها، آنها را در موقعیت رقابتی نامساعد قرار دهد، تضعیف، طفره رفته یا رها می‌شوند.

بنابراین، تنها حمایت پایدار ما، تغییر فرهنگ جهانی است که نحوه استفاده ما انسان‌ها از هوش مصنوعی را تعیین می‌کند. این امر مستلزم آن است که ما از تمدنی که حول رقابت برای پول و قدرت سازماندهی شده است، به تمدنی که به رفاه زمین زنده و همه

انسان‌ها و سایر موجودات زنده آن اختصاص دارد، حرکت کنیم. چیزی که بسیاری از ما آن را تمدن اکولوژیکی می‌نامیم.

چنین تمدنی، زمین را به عنوان یک جامعه زنده می‌شناسد، نه انباری از کالاها که منتظر مطالبه، استخراج و فروش برای سود هستند. این تمدن درک خواهد کرد که رفاه انسان به رفاه کل بستگی دارد و ظرفیت متمایز ما برای انتخاب آگاهانه، مسئولیت مراقبت از حیاتی را که ما را حفظ می‌کند، به همراه دارد. این تمدن، اقتصادها را برای برآوردن نیازهای همه سازماندهی می‌کند، در حالی که زمین را التیام می‌بخشد، قدرت را توزیع می‌کند، افراط در ثروت را محدود می‌کند، خوداتکایی محلی را احیا می‌کند و مشاغل را در قبایل جوامع و اکوسیستم‌هایی که به آنها وابسته هستند، پاسخگو نگه می‌دارد.

برای اولین بار، بشریت ابزاری چنان قدرتمند خلق می‌کند که استفاده ایمن از آن بدون تغییر فرهنگ تمدنی که آن را خلق کرده، غیرممکن است.

تمدن زیست‌محیطی رقابت را از بین نمی‌برد. این تمدن، رقابت را نه برای تسلط و استثمار دیگران، بلکه برای خلاق‌ترین و عالی‌ترین بودن در پیشبرد فرهنگ همکاری و مسئولیت متقابل به نمایندگی از رفاه کل، تشویق خواهد کرد. قابلیت‌های ضروری هوش مصنوعی به عنوان بخشی از یک فضای مشترک اطلاعات جهانی اداره خواهد شد. دانشی که آنها به آن وابسته هستند - که در طول نسل‌ها توسط انسان‌های بی‌شماری ایجاد شده است - به عنوان یک میراث مشترک در نظر گرفته خواهد شد. استفاده از آن منوط به نظارت دموکراتیک، محدودیت‌های زیست‌محیطی و الزام اساسی برای خدمت به زندگی خواهد بود.

در این صورت، هوش مصنوعی می‌تواند به مربیان، کشاورزان، درمانگران، دانشمندان، مقامات دولتی، حافظان دانش بومی و سازمان‌دهندگان جامعه کمک کند تا آنچه را که می‌آموزند به اشتراک بگذارند. هوش مصنوعی روابطی را فراتر از دسترس هر ذهن فردی شناسایی می‌کند، بین زبان‌ها ترجمه می‌کند، خطاها را آشکار می‌کند و از ما در تطبیق رویکردهای موفق با نیازهای متمایز هر مکان پشتیبانی می‌کند. این امر می‌تواند ظرفیت جمعی ما را برای احیای خاک و جنگل‌ها، حفاظت از منابع آب، پیشگیری از بیماری‌ها، حذف پسماند، بومی‌سازی تولید، حل و فصل مناقشات و تأمین زندگی مطلوب برای همگان تقویت کند.

در این نقش، هوش مصنوعی جایگزین هوش انسانی نخواهد شد، بلکه توانایی ما را برای یادگیری مشترک ارتقا خواهد داد. آن نوع هوشی که برای آینده ما حیاتی‌ترین است، نه در ماشین نهفته خواهد بود و نه در فردی منزوی؛ بلکه در دل روابطی جای خواهد داشت که از طریق آن‌ها تجربیاتمان را به اشتراک می‌گذاریم، درک خود را عمیق‌تر می‌سازیم و کنش جمعی را در خدمت حیات، سازماندهی می‌کنیم.

هوش مصنوعی می‌تواند به مربیان، کشاورزان، درمانگران، دانشمندان، مقامات دولتی، حافظان دانش بومی و سا زمان دهندگان جامعه کمک کند تا آنچه را که می‌آموزند به اشتراک بگذارند. هوش مصنوعی روابطی را فراتر از دسترس هر ذهن فردی شناسایی می‌کند، بین زبان‌ها ترجمه می‌کند، خطاها را آشکار می‌کند و از ما در تطبیق رویکردهای موفق با نیازهای متمایز هر مکان پشتیبانی می‌کند. هوش مصنوعی می‌تواند ظرفیت جمعی ما را برای احیای خاک و جنگله‌ا، حفظ آب، جلوگیری از بیماری، حذف ضایعات، بومی‌سازی تولید، حل مناقشات و تضمین زندگی خوب برای همه تقویت کند.

در این نقش، هوش مصنوعی جایگزین هوش انسانی نمی‌شود. این هوش توانایی ما را برای یادگیری جمعی افزایش می‌دهد. هوشی که برای آینده ما ضروری‌ترین است، نه در ماشین و نه در فرد منزوی، بلکه در روابطی قرار دارد که از طریق آنها تجربه را به اشتراک می‌گذاریم، درک را عمیق‌تر می‌کنیم و اقدام جمعی را در خدمت به زندگی سازمانده می‌کنیم.

اختلال در آب و هوا، فروپاشی زیست محیطی، نابرابری شدید و جنگ، شکست تمدن رقابتی ما را نشان داده‌اند. با این حال، این تهدیدها اغلب دور، تدریجی یا قابل تفکیک به نظر می‌رسیده‌اند. هوش مصنوعی آنها را گرد هم می‌آورد و به طور فزاینده‌ای آشکار می‌کند که هیچ کسب‌وکاری نمی‌تواند آینده خود را با نابودی جامعه‌ای که بازارهایش را حفظ می‌کند، تضمین کند. هیچ ملتی نمی‌تواند از طریق سلاح‌هایی که همه ملت‌ها را تهدید می‌کنند، به امنیت دست یابد؛ و هیچ بخشی از بشریت نمی‌تواند در زمینی در حال مرگ شکوفا شود.

برای اولین بار، بشریت در حال خلق ابزاری چنان قدرتمند است که استفاده ایمن از آن بدون تغییر فرهنگ تمدنی که آن را خلق کرده است، غیرممکن است. این ممکن است بزرگترین هدیه هوش مصنوعی باشد. این ابزار ما را با انتخابی روبرو می‌کند که دیگر نمی‌توانیم آن را به تعویق بیندازیم. برای تأمین رفاه کل همکاری کنیم یا به رقابت برای نابودی مشترک خود ادامه دهیم.

سوال این است که آیا ما این انتخاب را تشخیص خواهیم داد و به موقع اقدام خواهیم کرد.

یادداشت نویسنده: هدف من از به اشتراک گذاشتن این ستون، کمک به انتقال این پیام ضروری به جهان در اسرع وقت و به طور گسترده از طریق پیام‌رسان‌ها و کانال‌های مختلف است. اگر این ستون با شما صحبت می‌کند، لطفاً بدون نیاز به اجازه یا تأیید من، خبرنامه ما را ارسال کنید، لینک وبسایت ما را به اشتراک بگذارید، در رسانه‌های اجتماعی پست کنید و/یا به هر طریق دیگری آن را بازتولید کنید، آن را اقتباس کنید، با دوستان و دنبال‌کنندگان خود به اشتراک بگذارید و پیام آن را با کلمات و صدای خود به

صورت عمومی بیان کنید. سپس، از شما دعوت می‌کنم تا با ارسال اطلاعات به آدرس info@greatturning.org، با من در میان بگذارید که چگونه از آن استفاده می‌کنید.

سطری چند درمورد نویسنده :

دیوید کورتن دکتر دیوید سی. کورتن نویسنده، مدرس، شهروند متعهد، دانشجوی روانشناسی و سیستم‌های رفتاری، استاد سابق دانشکده بازرگانی هاروارد، منتقد برجسته جهانی شدن شرکت‌ها و مدافع گذار بشر به تمدن اکولوژیکی است. او بنیانگذار و رئیس انجمن اقتصادهای زنده، یکی از بنیانگذاران و رئیس سابق هیئت مدیره مجله YES! که اکنون YES! Media نام دارد (و نویسنده کتاب‌های تأثیرگذار، از جمله کتاب پرفروش بین‌المللی «وقتی شرکت‌ها بر جهان حکومت می‌کنند» و «چرخش بزرگ: از امپراتوری به جامعه زمینی» است. او مدرک MBA و دکترای را از دانشکده بازرگانی استنفورد دریافت کرد و به مدت سی سال در توسعه بین‌المللی در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین کار کرد.

----- **با تقدیم احترامات «2026-09-30»**

